

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال دوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۹۶

## معرفی و متن‌شناسی نسخه خطی بدایع الانشاء مولانا یوسفی هروی<sup>۱</sup>

ندا مراد<sup>۲</sup>

مدرس پردیس فرهنگیان شهید رجایی قزوین

### چکیده

تلاش برای احیای آثار مکتوب گذشته، امری ضروری است؛ زیرا حفظ فرهنگ و ادب هر جامعه در گرو حفظ آثاری است که در پویایی و استحکام فرهنگ آن جامعه، سهم داشته‌اند. باب «ترسل و انشاء» را می‌توان یکی از انواع مهم نثر ادبی دانست که در تاریخ ادب زبان و ادب پارسی، سابقه‌ای طولانی دارد. نسخه خطی بدایع الانشاء نمونه شاخص و برجسته‌ای از این فن شریف است که به قلم مولانا یوسفی هروی (۹۴۰ق) با نثری فنی و مصنوع نوشته شده است. این اثر، مجموعه‌ای از ترسلات است که با ۳۷۸ شماره از یکدیگر تفکیک شده و مؤلف آن را به قصد تعلیم فن ترسل و انشاء بر حسب طبقات مردم، در سه قسم نوشته است. هدف این پژوهش، معرفی، توصیف و تحلیل ساختاری نسخه، بیان ویژگی‌های زبانی، ارزش‌های ادبی، دینی و تاریخی است. از بدایع الانشاء حدود هفده نسخه خطی در کتابخانه‌های ایران موجود است. در این پژوهش، استنساخ و معرفی کتاب بر اساس قدیمی‌ترین و کامل‌ترین نسخه، که متعلق به کتابخانه ملک است، انجام گرفته است.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۲۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱/۱۶

neda\_morad@yahoo.com<sup>۲</sup>

## واژه‌های کلیدی

بدایع الانشاء، متن‌شناسی، منشآت، یوسفی هروی.

### ۱. مقدمه و طرح مسئله

مواریث مکتوب و به‌تعبیری نسخه‌های خطی، نمودها و نمادهای درخشان و باشکوه تمدن و فرهیختگی جوامع و ملت‌هاست. در این بین، باب ترسل و انشا را می‌توان یکی از انواع مهم نثر ادبی دانست که در تاریخ زبان و ادب فارسی، سابقه‌ای طولانی دارد. در این نوع نوشته‌ها، علاوه بر جنبه‌های علمی و ادبی، اطلاعات ارزنده‌ای در زمینه‌های اجتماعی، تاریخی، دینی، فرهنگی و... به چشم می‌خورد.

نسخه بدایع الانشاء نمونه شاخص و برجسته‌ای از این فن و از تألیفات ادبی حکیم یوسفی هروی است که در سده دهم هجری نگارش یافته است. از تعداد کثیر نسخه‌های به‌جامانده از این اثر، می‌توان دریافت که از همان زمان تألیف، توجه کاتبان و ادبای هم‌عصرش را برانگیخته است. یوسفی هروی با استفاده از تمام شیوه‌ها و شگردهای نامه‌نگاری، یعنی نثری زیبا، بدیع‌نویسی، بهره‌مندی از شعر، تنوع معانی و رنگارنگی الفاظ، اثری ماندگار در نویسندگی فارسی پدید می‌آورد. بررسی محتوای این کتاب و بیان نمونه‌هایی از اقسام مکاتبات، این نکته را بدیهی می‌سازد.

### ۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

در یک نگاه، کتاب بدایع الانشاء یوسفی هروی را می‌توان از منابع مهم در زمینه ترسل معرفی کرد؛ که از لحاظ دربرداشتن اطلاعات ارزشمند در باب ترسل و انشا در میان کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده، از جایگاه ممتازی برخوردار است. این کتاب نه تنها از حیث شمول و وسعت مطالب، بلکه به سبب حسن سلیقه مؤلف و ترتیب نامه‌ها به قصد

تعلیم این فن به مخاطبان، نیازمند معرفی به جامعه ادب‌دوست و کتاب‌خوان ایران است و از بسیاری جهات دارای اهمیت و ویژگی‌های آن درخور نظر است؛ از جمله:

الف. نثر کتاب که نمونه‌ای از انشای نثر فارسی در دستگاه گورکانیان هند است، می‌تواند برای مقایسه بین شیوه‌های مختلف انشای فارسی در اعصار گوناگون، مورد استفاده کسانی که به ادبیات ایران و تحقیق در ادبیات هند علاقه‌مندند، قرار گیرد. در واقع از اطلاعات مهم تاریخی، فرهنگی و اجتماعی که از محتوای کتاب، به‌ویژه در بخش مراسلات، حاصل می‌شود، می‌توان با آداب و رسوم درباری و اجتماعی مرسوم دوره گورکانی نیز آشنایی پیدا کرد و اعتقادات و باورهای مذهبی و اخلاقی و آداب و رسوم حاکم بر جامعه را به‌خوبی دریافت. ب. این کتاب جزو کتاب‌های آموزشی در باب ترسل و انشاست و مکتوبات آن به‌گونه‌ای است که مبتدیان می‌توانند به‌سهولت به اسلوب این‌گونه از نوشته‌ها وقوف یابند.

همچنین در باب اهمیت بدایع الانشاء، به‌طور کلی باید خاطر نشان کرد که از دیدگاه‌های سیاسی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی این دوره، همانند منشآت اسفراینی، فرائد غیاثی شهاب‌الدین عبدالله جامی، همایون‌نامه جمال‌الدین الاسلام (منشی)، ریاض الانشاء خواجه عمادالدین محمود گاوآن (صدرجهان)، رقعات جامی، مطلع السعدین کمال‌الدین عبدالرزاق بن اسحاق سمرقندی، منشأ الانشاء ابوالقاسم شهاب‌الدین احمد خوافی، ترسل اسفزاری، رقعات امیر علیشیر نوایی و نامه نامی خواندمیر درخور اهمیت و اعتبار است و ارزش ژرف‌نگری و تفحص جدی به منزله یکی از آثار فارسی را که در خارج از ایران و در شبه‌قاره هند پدیده آمده، دارد.

### ۳. پیشینه پژوهش

در میان آثار غیرطبی یوسفی، بدایع الانشاء از همه معروف‌تر است و اول بار در سال ۱۸۴۳ در دهلی به چاپ رسیده است؛ اما در ایران، علی‌رغم وجود نسخه‌های متعدد، این اثر

تاکنون تصحیح نشده است؛ بدین سبب ضرورت اهمیت و توجه به آن دوچندان می‌شود. *بدايع الانشاء* را نخستین بار نویسنده همین مقاله تصحیح کرد و در فرایند چاپ قرار گرفت. در فرایند تصحیح آن نیز، هدف رسیدن به متنی مُنْفَح، مَشْكول، مُعْرَب و صحیح بوده، به طوری که نزدیک‌ترین متن به نگارش مؤلف باشد.

#### ۴. روش پژوهش

مستندات این پژوهش از ابزار کتابخانه‌ای فراهم آمده است؛ از این رو ابتدا از نمونه‌هایی مبتنی بر هدف و منتخب از متن *بدايع الانشاء*، مطالب مورد نظر استخراج شد و با مطالعه کیفی، مختصات ساختاری نسخه، ویژگی‌های زبانی، ارزش‌های ادبی و تاریخی، جمع‌آوری و با روشی علمی تبیین شد.

#### ۵. معرفی مؤلف و آثارش

##### ۵-۱. زندگی‌نامه مؤلف

مؤلف کتاب، یوسف بن محمد یوسف هروی، معروف به حکیم یوسفی یا مولانا یوسفی، فرزند محمد بن یوسف و از پزشکان سده دهم هجری قمری است. یوسف بن محمد ظاهراً از اهالی خواف خراسان بود که در ماوراءالنهر دانش آموخت و در هرات زیست و از ترس سرخ‌کلاهان، با پدرش به هند کوچ کرد و در آنجا مورد توجه و عنایت ظهیرالدین بابرشاه قرار گرفت. وی علاوه بر اینکه پزشک دربار بود، به سمت دبیری او در سال‌های ۹۳۲-۹۳۷ق درآمد و پس از بابرشاه در دربار پسرش، همایون گورکانی، در سال‌های ۹۳۷-۹۶۴ق نیز همین سمت را داشت» (صفا، ۱۳۸۳، ج ۵: ۳۵۶-۳۵۷).

در واقع «هند به سبب تشویقی که دستگاه فرمانروایی مغول بآبری از شعر و هنر می‌کرد، برای شعرا و ادبای ایران در این دوره، نوعی سرزمین فرصت‌ها تلقی می‌شد و از اخلاف

بابر تیموری (وفات ۹۳۷ق) که مقارن اوایل عهد صفوی در هند کسب قدرت کرد، کسانی چون امپراتور اکبر، نورالدین جهانگیر، شاه جهان و... در تشویق شعر و ادب فارسی اهتمام کردند و حمایت و نواخت آن‌ها موجب جلب عده قابل ملاحظه‌ای از شعرا و ارباب هنر به دیار هند شد» (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۴۰۵-۴۰۶).

مولانا یوسفی هروری نیز از حکیمان مشهور دوره صفویه بود که از بیم جان به هند رفت و در دربار ظهیرالدین بابر و همایون به سر بُرد و به نام آن دو، چندین کتاب تألیف کرد و در همان دیار بود که به سال ۹۵۰ق درگذشت.

## ۲-۵. آثار مؤلف

آثار یوسفی هروری را به دو گروه می‌توان دسته بندی کرد: طبی و غیرطبی.

### ۱-۲-۵. آثار طبی

- ماکول و مشروب که منظومه‌ای است به فارسی در خواص خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها.  
- رساله منظوم علاج الامراض که منظومه‌ای است به فارسی در نشانه‌های مرض و درمان آن، که در سال ۹۱۴ق سروده است.

- جامع الفوائد (طب یوسفی) در شرح منظومه علاج الامراض که در پنج مقاله در سال ۹۱۷ق نوشته است.

- فواید الاخيار منظومه‌ای است به فارسی که در سال ۹۱۳ق سروده شده و در آن هر مسئله پزشکی را در یک قطعه یا در دو، سه و گاه در شش بیت شرح داده است.  
- بهداشت منظوم که برای ظهیرالدین بابر سروده است.

### ۲-۲-۵. آثار غیرطبی

- مناجات منظوم که مثنوی عارفانه‌ای درباره عشق است.  
- نصیحت‌نامه مثنوی اخلاقی در ۳۱ بیت که در سرزنش بخل و بخیل است  
- انوار حکمت (نصایح یوسفی): در سال ۹۱۹ق تألیف شده و شامل دستوره‌های اخلاقی

و سخنان پندآموز صوفیانه است.

- کلیات یوسفی نیز مجموعه‌ای از آثار اوست که در سال ۹۱۷ق نوشته شده است (صفا، ۱۳۸۳، ج ۵: ۳۵۷-۳۵۸).

- بدایع الانشاء یا انشای یوسفی کتابی است به زبان فارسی در ترسل. در ایران از بدایع الانشاء حدود پانزده نسخه خطی موجود است که در فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) (ج ۲: ۴۵۲) به ترتیب زیر فهرست شده است:

بدایع الانشاء / انشاء فارسی [۱۲] یوسفی هروی، یوسف بن محمد (- ۹۵۰ ق)

۴۱۳۲۷. (تهران - ملک ش: ۳۸۳۳/۲) نستعلیق قرن ۱۰ [ف: ۷-۸۱]

۴۱۳۲۸. (تهران - شورا ش: ۸۶۰۵) نسخ قرن ۱۰ [مختصر ف: ۱۰۴]

۴۱۳۲۹. (تهران - دانشگاه ش: ۵۳۸۱) نستعلیق محمدتقی چهارشنبه ۱۶ صفر ۱۰۶۹ ۱۳۰

برگ [ف: ۱۵-۴۲۲۸]

۴۱۳۳۰. (قم - مسجد اعظم ش: ۳۳۴۱) برگ اول افتاده است. / نستعلیق خلیفه یار محمد

صدیق چهارشنبه ۲۹ شوال ۱۰۸۳ ۱۸۰ برگ [ف: ۱-۲۶۳]

۴۱۳۳۱. (شیراز - علامه طباطبایی ش: ۱۳۱۶) نستعلیق زیبا محمدعلی بن حاج عزیز

فراهانی ۱۰ ربیع‌الاول ۱۰۹۴ [نسخه پژوهی: ۲-۱۱۸]

۴۱۳۳۲. (شیراز - علامه طباطبایی ش: ۱۳۱۷) / نستعلیق ۲۲ رجب ۱۰۹۵ / [نسخه پژوهی:

۲-۱۱۸]

۴۱۳۳۳. (تهران - شورا ش: ۸۰ سرود) نستعلیق قرن ۱۳ [نشریه: ۱۳-۴۲۸]

۴۱۳۳۴. (مشهد - رضوی ش: ۸۱۹۰) نستعلیق نقی رازی ۱۲۳۲ ۸۷ برگ [ف: ۷-۲۱۵]

۴۱۳۳۵. (تهران - شورا ش: ۸۱۶۰) / تحریری سید قطب‌الدین ولد سید محمد صلاح

حسینی رفاعی ۲۸ شوال ۱۲۵۲ [مختصر ف: ۱۰۴]

۴۱۳۳۶. (تهران - دانشگاه ش: ۹۶۴۳) نستعلیق ملا عبدالقدیر چهارشنبه ۲۶ شوال ۱۲۶۱

۲۰۷ برگ [ف: ۱۷-۴۴۳]

۴۱۳۳۷. (تهران - سازمان مدارک فرهنگی ش: ۱۹۵/۳) شکسته‌نستعلیق محمد علی بن مرحوم آقا میرزا هاشم خوشنویس است. دوشنبه ۱۸ رمضان مطابق سنه لوئت نیل ۱۲۸۷ ۱۸ (۹۳ الف - ۱۱۱ ب) [ف: ۱۷۶]

۴۱۳۳۸. (تبریز - ملی ش: ۲۸۶۳) نسخ تعلیق بی تا ۹۰ برگ / [ف: ۱-۱۲۹]  
علاوه بر این نسخ، در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فخنا) (ج: ۵: ۸۴۴) نسخه دیگری متعلق به دانشگاه تهران به شماره ۱۰۹۳۱/۱ که از آغاز افتادگی دارد، فهرست شده که مربوط به نسخه مذکور نیست و همانند نسخه کتابخانه ملی (سازمان مدارک فرهنگی) نسخه ناشناخته‌ای است که اصلاً با سایر نسخه‌ها همخوانی ندارد و مربوط به نسخه دیگری است که به اشتباه فهرست شده، فقط پنج صفحه اول این نسخه با متن بدایع الانشاء منطبق است و آغاز و انجام آن چنین است:

«آغاز نسخه: چون توجه به جانب یاران و تشوق به منازل هواداران از شمیم اهل کرم و عادت ارباب سعادت است و نواختن مهجوران موجب ترادف انوار حشمت است...  
انجام نسخه: خاتمه در عنوان حجاب بارگاه جهان‌پناه به موقف عرض رسانند... نواب خانی شاهزاده جهان به عزّ عرض رسانند نواب شاهزاده خورشید مکان به موقف عرض رسانند.»  
این نسخه متأخر (۱۱۰۴ق) از ابتدا افتادگی دارد و برخلاف سایر نسخه‌ها بسیار مغلوپ است.

گفتنی است از دو نسخه دانشگاه علامه طباطبایی شیراز که در هر دو مجموعه فهرست شده، از ابتدا در کتابخانه دانشگاه، فقط یک نسخه موجود بوده که آن هم، در حال حاضر به دلیل آسیب‌دیدگی، از دسترس خارج شده است.

همچنین علاوه بر نسخه‌های فهرست شده، در کتابخانه آستان قدس نسخه‌ای یافت شده که تاریخ کتابت آن ۱۰۳۳ق ذکر شده است. این نسخه را که مقام معظم رهبری در سال

۱۳۸۳ اهدا کرده، برخلاف سایر نسخه‌های موجود در آستان قدس به متن نسخه اقدم نزدیک‌تر است و افتادگی ندارد. این نسخه نیز همانند نسخه مسجد اعظم و نسخه کتابخانه تبریز، در بیشتر صفحات هامش دارد.

نسخه کتابخانه تبریز نیز تاریخ کتابت نداشته و بر مبنای نسخه اقدم در ۳۰ صفحه آخر افتادگی دارد. در آخر نسخه، وقفنامه‌ای با مرکب در یک برگ سفید جدید نوشته شده، در حالی که از خط و کاغذ نسخه آشکار است که بسیار قدیمی است. در آن برگ سفید کلمه «وقفنامه به نام اولاد ذکور به تاریخ محرم الحرام ۱۲۴۵» نوشته شده و با مهری به سجع «الواثق بالله الغنی عبدی ابوالحسن» ممهور گردیده است.

نکته مهم دیگری که از دیباچه این اثر می‌توان دریافت، رباعی زیر است که در آن مؤلف با فن «ماده تاریخ» به صراحت به نام کتاب و تاریخ تألیف آن، که سال ۹۴۰ق بوده، اشاره کرده است.

«این نامه کزوست فن انشاء به نظام  
کرده خردش بدایع الانشاء نام  
تکرار کنی چو نام او را یکبار  
شک نیست که ره بری به سال اتمام»

۳-۵. هدف از تألیف بدایع الانشاء

حکیم یوسفی کتاب را به شیوه دستورالکاتب برای تعلیم نوآموزان نگاشته و آن را به پسر خود، رفیع‌الدین حسین، اهدا کرده است. وی در ادامه پس از ذکر نام خود، که سنتی قدیمی در دیباچه‌نویسی است، سبب تألیف کتاب را چنین بیان می‌کند: «بندۀ فقیر و کمینۀ حقیر نظم یوسفی آنکه شدش نامه سیه - غفرالله تعالی ذنبه - که این رساله‌ای است مُسمی به بدایع الانشاء مشتمل بر محاورات خطابی و جوابی که جهت فرزند عزیز قره‌العین، رفیع‌الدین حسین - طال عُمره - و سایر طالبان در حیّز عبارت و قید کتابت آمده» (یوسفی هروی، ۹۵۰: مقدمه). با توجه به کلام مؤلف در این مقدمه آشکار می‌گردد که این اثر تعلیمی علاوه بر ارزش ادبی، به‌مثابه یکی از آثار تاریخی، اجتماعی، دینی و فرهنگی آن



دوره، اهمیت بسزایی دارد که در ادامه به مصادیق آن اشاره می‌شود:

نخستین بار اسلام به وسیله اعراب و احتمالاً «ایرانیان مسلمان مسافر و مهاجر به هند و ماوراءالنهر و آسیای مرکزی وارد گردید» (ارشاد، ۱۳۷۹: ۱۰)؛ اما پس از اشاعه در آن دیار، خود به صورت یک کانون جذب مهاجر درآمد. به طور کلی، ایرانیانی را که به هند کوچ کرده‌اند می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: «دسته اول برخی مسلمانان وارسته و اهل قلم بودند که گاهی به علت وجود جوّ اختناق یا اختلافات مذهبی در ایران و نیز شهرت و وجود شرایط آزاداندیشی در هند، وادار می‌شدند ایران را ترک کنند و راهی آن سرزمین شوند. دسته دوم، عرفا و صوفیان شیفته‌ای بودند که عناصر فلسفی و فکری مطلوب، آن‌ها را به وادی هند جذب می‌کرد. برخی از صوفیان را هم دربار و تظاهر درباریان به صوفیگری، به آنجا می‌کشاند. دسته سوم از مهاجران مسلمان، شامل این‌گونه صوفیان و غیرصوفیانی می‌شد که به واسطه گرایش دربار به اسلام، جذب این سرزمین می‌شدند» (همان: ۱۳۶-۱۳۷).

یوسفی هروری نیز در جمع ایرانیان مهاجری بود که «به واسطه بی‌توجهی شاهان صفوی به شعر و شاعری و در عوض، حمایت سلاطین گورکانی، به هند مهاجرت کردند» (علامی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۵). این حکیم نامی برای گسترش فرهنگ اسلامی ایرانی در بلاد هند، این اثر را فراهم آورد. عنوان و موضوع بخشی از این نامه‌ها گویای این مدعاست:

### معاودت حج

«حقاً که چون بشارت معاودت آن جناب از سفر مبارک با حصول ثبوتات و من دخاله کان آمناً و احاطه جعل الله البیت الحرام قیاماً للناس استماع افتاد، وظیفه حمد و رابطه شکر مترتب و موظف شد و مواد افراح و اسباب ارتباح قلوب و ارواح سمت تزاید و تضاعف پذیرفت» (یوسفی هروری، ۹۵۰: ۱۳۰).

### در تهنیت عید اضحی

«قدوم رسوم عید اضحی که وقت احترام مسالک بیت الحرام و زمان اتمام مناسک کعبه با احترام است بر آن عالیجناب مبارک باد» (همان: ۱۲۳).

### در تهنیت رمضان

«به برکت عبادت ماه صیام و میمنت طاعات لیالی و ایام میمنه فرجامش به مزید عزت و احتشام و رفعت احترام آن عالی‌مقام، متصل و مقترن باد» (همان: ۱۲۳).

### لیلة‌القدر

«مواكب قدوم لیلة‌القدر موجب ارتفاع قدر و سبب انشراح صدر حضرت محمد عربی باد» (همان: ۱۲۰).

### عید فطر

«مقدم عید فطر که موسم میرا و قدم این زمان سعید که اوان مسرا بر ملازمان مملکت پناهی به فیض عنایت حضرت الهی مبارک باد» (همان: ۱۲۵).

نامه‌های این مجموعه علاوه بر اهمیت دینی، جنبه اخلاقی نیز دارد و به اشاعه فضایل اخلاقی می‌پردازد. نامه‌هایی که شامل موضوعاتی چون امیدواری، عفو، شفاعت، اتحاد، صلح، دوری از فراق، جدایی و شکایت است.

### امیدواری

«... رجا واثق است که غبار حوادث که بر صفحات اوقات نشسته به رشحات سحاب لطف الهی شسته شود و ظلمت وقایع که کاشانه دل را تیره ساخته به لموع شموع فضل نامتناهی زایل گردد» (همان: ۲۳۹).

### صلح

«بحمدالله که مصالحه متضمن مصالح جمهور انام و موافقتی موافق کام کافه خواص و عوام وجود گرفت، همت درویشان که شجره‌ای است به‌غایت مثمر عاقبت الامر ثمره داد و دعای پاکیزه دلان سحاب همت، مُمَطَّر در آخر کار اثر رحمت ظاهر گردانید» (همان: ۲۶۵).

### آشتی

«حقاً که تا از دولت ملازمت به حرمان موسوم شده و از شرف خدمت مهجور و محروم

مانده، مشاعل اشواق در دل محنت‌زده هر دم افروخته‌تر است و جان هجران‌دیده به آتش حسرت و حرمان، هر زمان سوخته‌تر» (همان: ۲۲۲).

### عیادت

«حقاً که به مقدم شریف و نفس مبارک آن جناب کمینه را که شب‌ها به رنج بیداری و روزها به اندوه و بیماری گرفتار بود، فرحی دست داد و روحی روی نمود...» (همان: ۲۵۵).

### ۴-۵. مراتب سه‌گانه کاتب و مکتوب

از جمله مهم‌ترین آداب و فنون دبیری، آشنایی دبیر و نویسنده با مراتب و روابط کاتب و مکتوب‌الیه است؛ یعنی دبیر باید می‌دانسته به چه کسی یا چه مقامی نامه می‌نویسد؛ زیرا نوع نوشتن به هر طبقه از سه طبقه مکتوب‌الیه (گیرنده نامه) متفاوت بود. میهنی در این باره می‌نویسد مراتب مکتوب‌الیه و کاتب (دبیر یا نویسنده) بدین گونه است: «۱. مکتوب‌الیه یا گیرنده نامه مقامی برتر و والاتر از کاتب داشته باشد؛ ۲. گیرنده نامه هم‌سطح و هم‌تراز دبیر بوده است؛ ۳. گیرنده نامه مقامی پایین‌تر از دبیر داشته باشد» (میهنی، ۱۳۸۹: ۹). دبیر مدبر باید با این طبقات آشنایی داشت.

در ادامه برای آشنایی و معرفی بیشتر هر دو اثر، با ذکر تقسیمات و طبقه نامه‌ها که بر اساس سلسله مراتب اداری و خطاب به سلاطین نوشته شده، ابتدا بخشی از متن آیین دبیری و سپس متن بدایع الانشاء بازنویسی می‌شود:

### آیین دبیری

**طبقه اعلی:** «زندگانی خسرو عالم، پادشاه عادل ملک، مؤید منصور در پیروزی و کامرانی و جهانگیری و شاه‌نشانی دراز باد و ایزد تعالی خوشنود

**طبقه دوم:** زندگانی سیدنا اجل مُنعم دراز باد در عز پاینده و دولت، بر نظام نعمت افزاینده و اقبال مستدام و چرخ سازنده و روزگار پدram و بخت فرخنده و زمانه رام و ایزد -

عزّ ذکره - خشنود

طبقه سوم: زندگی خواجه رئیس فلان در عزّ و نعمت و اقبال و رفعت دراز باد، مقرون به رضای ایزد تعالی...» (میهنی، ۱۳۸۹: ۳۰-۳۱).

### بدایع الانشاء

طبقه اعلی: «سلاطین به طبقه اعلی از سلاطین: آفتاب عالم تاب دولت قاهره و ماه جهان افروز سلطنت باهره، نور باصره شهر یاری، غره ناصیه کامکاری...»

طبقه اوسط: سلاطین به طبقه اوسط از سلاطین: ظلال فر سلطنت همایون و یمن معدلت روزافزون، صاحب قران اعظم، زبده سلاطین عرب و عجم

طبقه ادنی: سلاطین به طبقه ادنی از سلاطین: اسباب عظمت و جهانداری و آثار ابهت و بختیاری، جمشید ممالک آرای خورشید روشن‌رای، امان کافه انام، مرکز دایره اوامر و احکام...» (یوسفی هروی، ۹۵۰: ۹-۱۵).

مولانا یوسفی هروی با پیروی از رسم پیشینیان، برای حفظ این شیوه نوشتاری فارسی، بدایع الانشاء را تألیف کرده است.

## ۶. سبک‌شناسی نامه‌ها در بدایع الانشاء

### ۱-۶. ساختار در صدر و خاتمه نامه‌ها

هر نامه از لحاظ صوری یا اجزای متشکله آن، به سه بخش تقسیم می‌شود: ۱. عنوان؛ ۲. تنه یا متن اصلی؛ ۳. بخش پایانی. «عنوان نامه یا مطلع آن شامل نام و القاب و عناوین شغلی یا عملی گیرنده نامه، همچنین جملات احترام‌آمیزی است که از جانب نویسنده خطاب به گیرنده نامه اظهار می‌گردد. تنه یا متن اصلی نامه بخشی است که مقصود اصلی صاحب نامه از نگارش آن بیان می‌شود. پایان یا مقطع نامه شامل عبارات تکریم‌آمیز و دعاگونه‌ای است که نویسنده کلام خود را با آن‌ها حُسن ختام می‌بخشد» (رزمجو، ۱۳۷۰: ۱۹۲).

در نامه‌های بخش اول و دوم *بدایع الانشاء*، بعد از مطلع (صدر نامه) که همان ابتدای نامه بعد از تسمیه است و نامه با آن آغاز می‌شود، چون روی سخن با اشخاص، گروه‌ها و طبقات دیوانی است، برای هریک از نامه‌ها، بنا به مخاطب آن‌ها، عناوین و نعوت خاصی آمده. نمونه‌ها:

#### - عناوین و نعوت اولاد ملوک

«سؤاله أعظیم ملوک» (هروری یوسفی، ۹۵۰: ۱۸)، «خلف أعظیم» (همان: ۱۹).  
خواتین ملوک: «خاتون معظمه» (همان: ۲۲)، «ملکه الخواقین» (همان: ۲۳)، «ملکه خواتین الزمان» (همان: ۲۳)، «بلقیس العصر و دوران» (همان: ۲۴).  
وزیران و صدور: «ملاذ طوائف الأمم» (همان: ۴۳)، «دستور اکرم اکمل» (همان: ۴۴)، «آصف العهد» (همان: ۴۴)، «کَهْفُ الثَّقَلین» (همان: ۴۷).

بعد از صدر نامه، نگاشتن مراتب القاب و خطاب بوده که برترین و بالاترین خطاب‌ها، خاص سلاطین بوده است. این ترکیبات القابی خاص که در سایر نامه‌های دوره تیموری نیز دیده می‌شد، در رکن مطلع و یا در موضوع اصلی، متناسب با موقعیت اجتماعی و شغل آورده می‌شود:

#### - القاب اولاد ملوک

«شاهزاده جهان، مظهر انوار عدل و احسان و نور دیده سلطنت کبری، چراغ دوده خلافت عظمی، گوهر درج جهان‌بانی، اختر برج صاحب‌قرانی، مُزین سریر سلطنت قاهره، مُروّج قواعد شریعت باهره، ناشر الویة عدالت و ایالت، باسط بساط ابهت و جلالت...» (همان: ۲۳).

#### - القاب خواتین ملوک

«سایه چتر عرش سای حضرت ملکه جهان، بانوی ممالک ایران و توران، نتیجه مقدمات سعادات، مقدمه نتایج کمالات، نادره اعصار، خلاصه دهور و ادوار...» (همان: ۲۰).

اما بخشی از نامه‌های *بدایع الانشاء* با ادعیه‌های خاص، خطاب به طبقات درباری، به‌ویژه سلاطین، وزرا، صدور، أمرا و... این چنین نوشته شده است.

«زادَ اللهُ أقدارَه وُ أعزَّ أنصارَه» (همان: ۲۵)، «آدامَ اللهُ ظلالَه عَلی الأیام» (همان: ۲۶)، «جَعَلَ اللهُ آیامَه أیامَ السَّرور و اوقاتَه» (همان: ۲۹) «ضاعَفَ اللهُ جَلالَه» (همان: ۳۲) «ضاعَفَ اللهُ تَعالی فی الصِّدره جَلالَه و دَوامَ عَلی أَنام ظلالَه» (همان: ۴۵) و این از مواردی بوده که همواره در نامه‌های پیش از دوره تیموری نیز رایج بوده است. میهنی می‌نویسد: «دبیر که مراتب گیرنده نامه را در نظر می‌گرفته، می‌دانسته که به حکم ادب در مورد بزرگان، گشایش سخن با ثنا و دعاست، دبیر، نامه را با دعا بر زندگانی و طول عمر گیرنده آغاز می‌کرده و تفاوتی نداشته که رقعہ یا نامه و... باشد» (میهنی، ۱۳۸۹: ۱۰).

اینک بخشی از ادعیه‌های خاص برای سایر طبقات:

#### - سادات

«مُلطَفَه لطایف آثار جناب سیادت مرتضی اعظم مجتبی اکرم علوی الشمیم مظهر اسرار نبویه، مهبط انوار علویه، عَظَمَ اللهُ تَعالی فی مَنابِقِ النِّقابَه شأنه...» (هروی یوسفی، ۹۵۰: ۸۹).

#### - مشایخ

«به عرض دعایی که از ریاض تقریرش فوایح اخلاص فاتح و از حدایق تحریرش روایح اختصاص لایح باشد، مصدع خدام می‌گردد به وظیفه شریفه دعای دولت ابدی و ضابطه رابطه ثنای سعادت سرمدی اشتغال می‌نماید و آرجو الاجابه بعد الدعاء...» (همان: ۹۸).

#### - قضات

«... بنده دولت خواه که دعای دولت شریعت پناهی را وسیله حصول سعادت و کامرانی می‌دارد، دعایی که از ریاض تقریرش، روایح اخلاص لایح و ثنایی که از حدایق تحریرش، فوایح اختصاص فایح باشد، به موقف عرض می‌رساند...» (همان: ۱۱۲).

#### ۲-۶. مختصات زبانی و ساختاری نامه‌ها

با مطالعه و بررسی دقیق نامه‌ها، به نکات و دقایق دستوری، لغوی، چگونگی استعمال

صنایع ادبی و سایر ویژگی‌های سبک‌شناسی می‌توان دست یافت و از اسلوب بیان در ترسل و شیوه نگارش مکاتبات رسمی دیوانی که در دربارها رایج بوده و همچنین از سبک نگارش نامه‌های خصوصی (اخوانیات) می‌توان آگاه شد و در بررسی سیر تطور و تحول نثر فارسی طی قرون و اعصار متمادی، اطلاعات ذی‌قیمتی از این متون کسب کرد» (مردانی، ۱۳۷۷: ۳۸). نثر مصنوع بدایع الانشاء را می‌توان نمونه‌اعلای نامه‌نگاری دانست که در مجموع با الگوی خاص کتابت قدیم تدوین یافته است. «در این بخش برای بررسی نامه‌ها ابتدا ویژگی‌های خاص آن‌ها ذکر شده و سپس جمله‌ای از نامه‌ها مطابق با کاربردی که این دوره داشته، بیان شده است.

#### ۶-۲-۱. تطابق صفت و موصوف

تطابق صفت و موصوف از نظر تأنیث و تذکیر، طبق قاعده زبان عربی است؛ مثال: «تواتر مخاطبات و ترادف مراسلات» (یوسفی هروری، ۹۵۰: ۲۹)، «... اکارم سلاطین و اعظام خواقین» (همان: ۲۹)، «... امثله عالیه» (همان: ۲۷)، «... مخلصه صادقه» (همان: ۲۸)، «نائب الویه دینیه، رافع ابنیه یقینیه، مصدر دقایق مناظرات، مظهر حقایق محاضرات» (همان: ۱۹۰) و ... .

#### ۶-۲-۲. بسامد بالای واژه‌های عربی

تقریباً در همه سطرهای هر برگ مشاهده می‌شود و می‌توان گفت که زبان این اثر در بسیاری از موارد، همانند سایر نثرهای فنی و مصنوع این دوره، از قواعد زبان عربی پیروی می‌کند؛ از جمله:

«روایت آثار و جواذب انوار قواعد مخالفت و عواید مصادقت را مستظهر و معتضد است و...» (همان: ۲۳).

«دقایق انظار ثاقبه و ثواقب افکار صایبه عالی حضرت اعظم مدبر امور عالم صاحب‌دیوان اعلی مرکز دایره عز و علا، رافع مرافع عدالت، عاقد معاقد ایالت مخدوم عظیم الشان...» (همان: ۱۷۰).

### ۳-۲-۶. به کاربردن جمع‌های مکسر عربی

«دعایی که لمعات انوارش بصائر اولوالابصار را منور دارد» (همان: ۲۳).  
«انامل افاضل انام به مفاتح تصویرات ارقام ابواب تحریر آن نگشوده» (همان: ۲۰).  
«بارقه لوامع دولت ابدیه، لامعه بوارق سلطنت سرمدیه...» (همان: ۱۳).  
«از ظهور آثار کامکاری و سنوح انوار نامداری بود» (همان: ۱۱).  
«به انواع شکرگزاری و اضعاف سیاسداری اقدام نمود» (همان: ۱۰).  
طبق جدول بسامدی که توسط مصحح پس از استنساخ نسخه فراهم آمد، بیشترین نوع جمع‌ها در این اثر، از نوع جمع مکسر است که حدود ۴۰ درصد «مفردات» را تشکیل می‌دهد.

### ۴-۲-۶. به کاربردن جمله‌های معترضه دعایی

«ادام الله تعالی بالعطایا آیاته» (همان: ۵۳)، «... والحمد لله الانتهاء» (همان: ۴۳)، «والحمد لله حمداً كثيراً» (همان: ۱۶۰)، «الحمد لله علی نعمائه» (همان: ۶۱)، «الحمد لله حمداً أبداً» (همان: ۱۷۰) و...

### ۵-۲-۶. آمیختگی کلمات و ترکیبات تازی با عبارات فارسی و ساخت ترکیبات نو

دیده انتظار دیده این محب، به کحل الجواهر مکاتبات مکتحل ساخته» (همان: ۴۳) «...»  
ناصر الویه نصف و عدالت» (همان: ۵۳)، «رقوم عروف دلگشایش، مفاتح کنوز دولت دوجہانی و نقوش سطور جان‌فزایش، مصایح رموز سعادت جاودانی» (همان: ۱۷۰) و...

### ۶-۲-۶. کاربرد ترکیبات اضافی و وصفی

ساخت ترکیبات جدید که بر ارزش ادبی متن افزوده است؛ مانند: «شعشعه شمع شبستان... مشعله‌داران شبستان سپهر» (همان: ۱۴۸)، «شعالات اشواق... زلال وصال» (همان: ۱۵۵).

### ۷-۲-۶. حذف فعل به قرینه لفظی

«دعواتی که رقوم خلّت از خلال سطور آن باهر و حروف محبت از مطاوی آن واضح و



ظاهر باشد» (همان: ۵۱).

«نامزد این حقیر شده بود معطر به نسایم مکارم اعطاف و مطیب به شمایم میامن الطاف در اکرم ساعات و اطیب آنات» (همان: ۱۷۳).

### ۶-۲-۸. کاربرد افعال به صورت وصفی

«عرضه داشت بنده کمینه که رایات بندگی در میدان اطاعت برافراشته و آیات عبودیت بر صحیفه دل و جان نگاشته؛ آن که عالی فرمان لازم الاذعان که از دیوان‌خانه دولت به حکم تُعز من تشاء، نامزد این بنده شده بود» (همان: ۳۲).

«زبان کلکی که رقم آن صحیفه کشیده مقرر اسرار بلاغت است و صریر خامه که نقش آن نامه پرداخته عنذلیب گلشن فصاحت نسیم عاطفتی که از مضمون آن استشمام رفت» (همان: ۱۷۴).

### ۶-۳. مختصات ادبی و سبکی نامه‌ها

بدایع الانشاء که در نیمه اول سده دهم، نگارش شده است، در مجموعه نثر مصنوع و فنی جای دارد. از خصیصه‌های نثر مصنوع هروری، اطناب است. کتاب بدایع الانشاء نیز نمونه‌ای کامل از این نثر با جملاتی طولانی است که مواقعی خواننده را برای فهم معنی، به برگشت در کلام و از سرگیری جمله وادار می‌کند؛ اما نثر مصنوع بدایع الانشاء را می‌توان نمونه‌ای عالی باب ترسل و انشا دانست که بیش از هر چیزی استحکام و جزالت در آن حکمفرماست و زیبایی‌های ادبی و محتوایی را می‌توان در آن سراغ گرفت. در این بخش به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۶-۳-۱. قرینه‌سازی

بیش از همه، قرینه‌سازی و آوردن سجع‌های مکرر، به‌ویژه سجع‌های متوازی، سبب زینت کلام شده است. بدین سبب که نثر مترسلانه از آغاز رواج این نوع ادبی، نوع و حرفه‌ای درباری بوده که در سبک و سیاقی خاص، برای مخاطبان خاص خود در آن روزگار نوشته می‌شده است. مانند: «سُدّه سنیه امیر مملکت پناه معدلت دستگاه، والی اعدل اقدم

صاحب ارباب سیف و قلم، منطقه ذروه ابهت و جلالت، نقطه دایره امارت و ایالت، قدوه اعظم زمان، زبده اکرم عهد و اوان، به امداد توفیقات الهی و اعداد تأییدات نامتناهی، آراسته باد» (همان: ۱۵۶).

### ۲-۳-۶. تضمین المزدوج

«ازدواج یا تضمین المزدوج یا اعنات القرینه آن است که در اثنای جمله نثر یا نظم، کلماتی را پیوسته یا نزدیک به یکدیگر بیاورند که در حرف روی موافق باشند» (همایی، ۱۳۷۰: ۴۷) که در متن مصادیق بی شماری به چشم می خورد؛ مانند: «مهد اعلی و سده مَعْلَى، حضرت ملکه عظمی، اشعه لمعات دولت کبری...، نادره ادوار فلکیه، بارقه انوار ملکیه... سریر بارگاه عصمت، زینت افزای تختگاه عفت...، نقاوه ملکات عالم خاصه بنات حوا و آدم... زبده حجله سلطنت و شهریاری، زینده حجره مکرمت و بختیاری و...» (یوسفی هروی، ۹۵۰: ۲۸-۲۵).

### ۳-۳-۶. اشتقاق و شبه اشتقاق

در تعریف آرایه اشتقاق آمده: «اگر تجانس دو کلمه به جهت این است که از یک ریشه مشتق شده باشند، جناس را اشتقاق و اگر شباهت آن‌ها به گونه‌ای باشد که به نظر بیاید از یک ریشه مشتق شده‌اند، جناس را شبه اشتقاق می گویند» (احمدنژاد، ۱۳۷۲: ۱۲۲)؛ مانند: «مرقوم رقم» (هروی یوسفی: ۳۱)، «بسط بساط انبساط» (همان: ۲۷)، «خاطر خطیر» (همان: ۵۳)، «روابط اجلال به تبجیل» (همان: ۱۵۷) و...

### ۴-۳-۶. ارسال المثل

ارسال المثل یا تمثیل «آن است که شاعر مثل معروفی را در شعر خود بیاورد یا بیت و مصراعی بگوید که حکم مثل سائر را پیدا کند» (احمدنژاد، ۱۳۷۳: ۱۳۸)؛ مانند: «مالک رقاب کافضل الشباب حسناً و کاوصل الاحباب یمیناً» (هروی یوسفی، ۹۵۰: ۴۰).

### ۵-۳-۶. استشهاد به آیات و احادیث

استشهاد به آیات قرآنی، قریب ۱۱۰ آیه، که در فهرست پایانی نسخه تصحیح شده،

به ترتیب الفبایی با ذکر نام سوره و شماره آیه درج شده است

### ۶-۳-۶. تضمین

تضمین «آن است که شاعران در ضمن اشعار خود، یک مصراع یا یک بیت یا دو بیت را بر سبیل تمثّل و عاریت از شعرای دیگر بیاورند با ذکر نام آن شاعر یا شهرتی که مستغنی از ذکر نام باشد؛ به طوری که بوی سرقت و انتحال ندهد» (همایی، ۱۳۷۰: ۲۱۷). در این اثر، بیت‌های فارسی و عربی گاهی در ابتدای نامه و به عنوان صدر آن و گاهی در میان و آخر آن به کار گرفته شده‌اند؛ که البته خود شیوه‌ای از نامه‌نگاری را شامل می‌شود.

### ۶-۳-۷. استعمال عبارات تصنعی و القاب تشریفاتی

استعمال عبارات تصنعی و القاب تشریفاتی و ساختگی که گاه رنگ و لعاب تملق و مجامله در آن، آشکار است و از خصایص عمده سده دهم به شمار می‌رود و مؤلف به سبب تقید بر قرینه‌سازی، از آن‌ها بهره برده و این سبب غلبه الفاظ بر معانی شده است. این ترکیبات القابی خاص، بیشتر به شکل اضافه تشبیهی و استعاری به کار رفته است؛ مانند: «شاهزاده جهان، مظهر انوار عدل و احسان و نور دیده سلطنت کبری، چراغ دوده خلافت عظمی، گوهر درج جهان‌بانی، اختر برج صاحب‌قرانی، مزین سریر سلطنت قاهره، مروّج قواعد شریعت باهره، ناشر الویة عدالت و ایالت، باسط بساط ابهت و جلالت...» (یوسفی هروری، ۹۵۰: ۲۳).

### ۶-۳-۸. به‌کارگیری اشعار فارسی

نویسنده در این کتاب، حدود ۷۵۶ بیت از اشعار لطیف و خوب قدیمی را آورده است، بی‌آنکه نام سراینده‌شان را ذکر کرده باشد. بخش اعظم این اشعار، به‌ویژه در محاورات (صحیفه سوم) اشعار منتخبی، از حافظ، سلمان ساوجی، سعدی، انوری، خاقانی و... بوده که به فراخور حال و هوای نامه‌ها، از آن‌ها بهره برده است. این اشعار که از انواع ادبی حماسی، غنایی، تعلیمی، توصیفی، وعظ، حکمت و عرفان، شهرآشوب انتخاب شده، از جمله ارزش‌های ادبی اثر محسوب می‌شود که در ادامه، به اختصار به چند نمونه اشاره می‌شود:

همیشه تا به بیاض نهار می‌آرند حساب عمر و بقای تو باد چندانی که	مسودات لیالی برای ضبط حساب از محاسبه عاجز شوند کلک و کتاب (همان: ۱۷۰)
دایم نظری به جانب ما فکنی صد تحفه دهی و عذر آن هم خواهی	جان و دل ما بری به شیرین سخنی این‌ها ز تو آید و چنین‌ها تو کنی (همان: ۲۳۴)
همیشه تا مه تابنده بر سپهر بلند به فضل باش نماینده در جهان چون بدر	هلال و بدر شود ز اجتماع و استقبال به عمر باش فزاینده در زمان چون هلال (همان: ۱۹۳)
باد عمرت بی‌قیاس و باد عیشت بر دوام	باد قدرت در ترقی، باد جاهت مستدام (همان: ۱۷۱)

همان گونه که اشاره شد، نثر مترسلانه از آغاز رواج این نوع ادبی، نوع و حرفه‌ای درباری بوده که در سبک و سیاقی خاص، برای مخاطبان خاص خود در آن روزگار نوشته می‌شده است؛ اما به نظر می‌رسد مولانا یوسفی هروی، به‌رغم تمایل کلی به نثر مصنوع، تا آنجا که موضوع نسخه به او امکان داده، به‌طور متعادل، از آرایه‌مند نمودن کلام بهره برده و به شیوه مترسلان نامی هم‌عصر خود، نثری شیوا و موزون ارائه داده است. توجه به این اصل است که بدایع‌الانشاء را اثری ممتاز و برجسته نشان می‌دهد.

#### ۷. نتیجه‌گیری

بدایع‌الانشاء یکی از آثار ارزشمند ادبی دوره گورکانیان است که در شبه‌قاره هند و به زبان فارسی نوشته شده و چگونگی نامه‌نگاری و شیوه نوشتن را آموزش می‌دهد. مؤلف در نگارش نامه‌ها با پیروی از سبک کتابت قدیم، طرح و ساختار منظمی اختیار کرده و نامه‌های گوناگون را به‌لحاظ ساختار طبقاتی و موضوعی در بخش‌های سه‌گانه (اعلی، اوسط و ادنی)

تقسیم نموده است. بخش‌های سه‌گانه‌ای که بر شیوه نامه‌نگاری بر اساس شناخت مخاطب تأکید می‌کند. یوسفی هروری در این اثر با استفاده از تمام شیوه‌ها و شگردهای نامه‌نگاری، یعنی نثری زیبا، بدیع‌نویسی، ابزار شعر و شاعری، تنوع معانی، آرایه‌مندی و رنگارنگی الفاظ بهره برده است و بدین گونه نمونه کاملی از منشآت سده دهم را به‌عنوان سرمشقی برای نامه‌نگاری بر جای گذاشته است.

### منابع

۱. آملی طبری، محمدعلی (۱۳۷۲)، *زبدة الآثار*، تهران: امیرکبیر.
۲. احمدنژاد، کامل (۱۳۷۲)، *فنون ادبی*، تهران: نشر پایا.
۳. ارشاد، فرهنگ (۱۳۷۹)، *مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند*، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴. درایتی، مصطفی (۱۳۸۸)، *فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فخنا)*، تهران: نشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۶. رزمجو، حسین (۱۳۷۰)، *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، چ ۱، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
۷. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳)، *از گذشته ادبی ایران*، تهران: سخن.
۸. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹)، *تاریخ ادبیات در ایران*، چ ۹، تهران: فردوس.
۹. علامی، ابوالفضل بن مبارک (۱۳۸۵)، *اکبرنامه: تاریخ گورکانیان هند*، ج ۱، به‌کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۱۰. مردانی، فیروز (۱۳۷۷)، «ترسل و نامه‌نگاری در ادب فارسی»، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۱۴۷، ۳۷-۴۳.
۱۱. منزوی، احمد (۱۳۸۲)، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۵، قم: نشر مجموعه ذخایر اسلامی.
۱۲. میهنی، محمد بن الخالق (۱۳۸۹)، آیین دبیری، تصحیح اکبر نحوی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۳. همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: نشر هما.
۱۴. یوسفی هروی، یوسف بن محمد (۹۵۰)، بدایع الانشاء، نسخه ملک شماره ۳۸۳۳/۲ / نستعلیق / قرن ۱۰ / [ف: ۷-۸۱]، تهران.